

شاخص‌های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای

رقیه جاویدی*، غلام‌رضا بهروزی‌لک**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۴/۳۱

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

شاخص‌های نظام
سیاسی مطلوب
از دیدگاه

امام خمینی(ره) و
آیت‌الله خامنه‌ای
(۸۳ تا ۱۰۲)

چکیده

موضوع مقاله حاضر، شناسایی شاخص‌های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای است که با روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. نظام سیاسی در نظر رهبران انقلاب اسلامی، همانند یک سه‌ضلعی: «حاکم و رهبر»، «مسئولان و کارگزاران» و «مردم» ترسیم شده است. از دید آنان، نظام سیاسی‌ای مطلوب است که اولاً از نوع ولایت فقیه‌ی باشد؛ ثانیاً سه ضلع آن، یعنی: حاکم، کارگزاران و مردم از حیث برخورداری از معیارهای اسلامی، هم‌چون: اصل بودن ایمان و تقوا، شاخص‌های متعالی و برجسته‌ای داشته باشند. به نظر ایشان، در نظام سیاسی مطلوب، شاخص‌های لازم برای حاکم و رهبر عبارت است از: فقاہت، تقوا، عدالت، درایت و مدیریت. رهبران انقلاب اسلامی شاخص‌های لازم برای مسئولان و کارگزاران را: داشتن تقوا، ایمان و تزکیه‌ی نفس، صبر و استقامت، خودباوری و اعتماد به نفس، خدمت‌گزار واقعی مردم بودن، ساده‌زیستی، انتقادپذیری، مبارزه با فساد، پاسخ‌گو بودن، حفظ وحدت، فقرزدایی و رعایت عدالت اجتماعی می‌دانند و برای مردم دارا بودن شاخص‌هایی هم‌چون: آگاهی و بصیرت، مشارکت و حضور در صحنه‌ها و انتخابات، نظارت و همگانی و اتحاد را برمی‌شمرند.

واژه‌های کلیدی:

نظام سیاسی مطلوب، حاکم، مسئولان و کارگزاران، مردم، امام خمینی(ره)، آیت‌الله خامنه‌ای.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) (Roghayeh_javidi@yahoo.com).

** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه

(blak@chmail.ir).

مقدمه

ایده‌ی جامعه‌ی مطلوب همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران بوده است. با در نظر گرفتن شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران و با تکیه بر اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های معارف و مبانی اسلام می‌توان به نظام سیاسی مطلوب اسلامی دست یافت. امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان دو رهبر و اندیشمند بزرگ جامعه‌ی اسلامی همواره دغدغه‌ی تعالی جامعه و نظام سیاسی را در طول انقلاب اسلامی داشته‌اند. در واقع، نظام سیاسی متعالی و مطلوب مورد نظر امام و رهبری، الگویی مطلوب از حکومت اسلامی در عصر غیبت است که به‌نوبه‌ی خود مقدمه‌ی تشکیل جامعه‌ی اسلامی مهدوی محسوب می‌شود.

با توجه به نقش سازنده و تعیین‌کننده‌ی جامعه مطلوب در عرصه‌ی حیات اندیشه و زندگی سیاسی و اجتماعی و دغدغه‌بودن آن برای اندیشمندان، به‌ویژه متفکران مسلمان، اهمیت و جایگاه آن در اسلام و اندیشه‌های اسلامی روشن می‌شود. از آن‌جا که در نظر داشتن و تبیین یک جامعه‌ی مطلوب و دست‌یافتنی، به جامعه انگیزه و شور و تحرک و پویایی می‌دهد، ضرورت پرداختن به این موضوع آشکارتر می‌شود. بنابراین، با توجه به این ضرورت، مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که شاخص‌های یک نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ فرضیه‌ی مقاله این است که این دو بزرگوار در بیانات و رهنمودهای خود، نظام سیاسی را به‌صورت ترکیبی از سه ضلع: حاکم و رهبر، مسئولان و کارگزاران و مردم در نظر گرفته و برای هر کدام شاخص‌هایی هم‌چون بهره‌مندی از درجات بالای تقوا و ایمان برشمرده‌اند؛ به‌نحوی که اگر همه‌ی این ویژگی‌ها و شاخص‌ها در هر سه ضلع یک نظام سیاسی رعایت شود، به یک نظام سیاسی مطلوب و متعالی دست خواهیم یافت. از این رو، با توجه به تعریف نظام سیاسی که شامل یک حاکم یا حاکمان در رأس هرم حکومت، مسئولان و کارگزاران در سطح بعدی و نیز مردم و گروه‌های گوناگون در قاعده‌ی هرم می‌شود (ر.ک: خدادادی، ۱۳۸۰: ۹۱)؛ مقاله‌ی حاضر در سه محور شاخص‌های حاکم، مسئولان و کارگزاران و مردم ارائه خواهد شد.

۱. شاخص‌های حاکم در نظام سیاسی مطلوب

از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی، حاکم و زمام‌دار در یک نظام سیاسی مطلوب باید حداقل سه شاخصه‌ی اصلی را داشته باشند که عبارتند از: «فقاها»، «عدالت و تقوا» و «توان مدیریتی» (داشتن بینش صحیح سیاسی و اجتماعی). با توجه به معیار قراردادن شاخص فقاها و بر اساس نظریه‌ی ولایت فقیه امام خمینی (ره)، می‌توان گفت که فقط ولی فقیه می‌تواند

حاکم یک نظام سیاسی مطلوب باشد. جایگاه ولایت فقیه، عالی‌ترین مقام نظام سیاسی است که در رأس حکومت و قوای کشور قرار می‌گیرد و زمام‌دار مسلمانان تلقی می‌شود؛ سیاست‌های کلان کشور نیز توسط او تعیین می‌شود. «حکومت اسلامی و ولایت فقیه‌ی که امام (ره) آوردند و ابتکار و مطرح کردند، به همان معنای حکومت اسلامی است؛ یعنی حکومت اسلام، حکومت دین و حکومت شریعت، به همین معنا فهمیده شود» (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۱۱/۰۴). در واقع، ولایت فقیه اساسی‌ترین اصل و رکن نظام جمهوری اسلامی ایران، ستون فقرات آن و نقطه‌ی درخشان نظام اسلامی است که به برکت آن، کشور در جهت مادی و معنوی پیشرفت کرده است (رک. همان: ۱۳۶۸/۰۴/۲۱؛ ۱۳۶۸/۱۰/۱۸؛ ۱۳۶۸/۱۲/۰۴؛ ۱۳۷۰/۰۹/۰۵؛ ۱۳۷۶/۰۹/۰۵). در ادامه، سه شاخص اصلی حاکم و رهبر، یعنی فقاہت، عدالت و تقوا و توان مدیریت به ترتیب توضیح داده می‌شوند.

۱-۱. فقاہت

اولین و اساسی‌ترین شرط و شاخص مهم حاکم جامعه‌ی اسلامی، دانستن قانون الهی و شریعت، یعنی داشتن علم فقاہت و اجتهاد است؛ چراکه زمام‌دار باید احکام الهی - که قانون جامعه‌ی اسلامی است - را اجرا کند و بر اساس آن حکومت نماید و نیز حافظ این احکام باشد. در پیامی از ناحیه‌ی مقدس حضرت ولی عصر (عج)، در عصر غیبت به همه‌ی مردم این گونه سفارش شده است که:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَهُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاهِ أَحَادِيثِنَا؛ در حوادثی که پیش می‌آید، حتماً به فقهای عادل مراجعه کنید تا او راه خدا و حکم او را برای شما بیان کند» (قرائتی، بی‌تا، ص ۶۴).

در واقع، حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه‌ی عملی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است؛ از این رو، در رأس حکومت باید شخصی قرار گیرد که بتواند در برخورد با معضلات و مشکلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره، از جنبه‌ی عملی و عینی فقه بهره گیرد و برای مشکلات با توجه به شریعت و فقه، راه‌حل و برنامه ارائه کند. امام خمینی (ره) شاخصه‌ی فقاہت حاکم را با توجه به دلیل عقلی این گونه تبیین می‌کند: «اگر زمام‌دار مطالب قانونی را نداند، لایق حکومت نیست؛ چون اگر تقلید کند، قدرت حکومت شکسته می‌شود

۱. لازم به ذکر است که ارجاعات بیانات رهبر معظم انقلاب، از لوح فشرده‌ی «حدیث ولایت» (مجموعه‌ی رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای)، ویرایش ۲، مؤسسه‌ی پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نقل شده است.

و اگر نکند، نمی‌تواند حاکم و مجری قانون اسلام باشد» (۱۳۷۴: ۴۸). آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این باره می‌فرماید:

«ولی فقیه باید به قرآن و احکام اسلامی کاملاً مسلط باشد؛ یعنی فقاہت داشته باشد و بتواند اسلام را بفهمد؛ دین را بشناسد؛ احکام الهی را کشف کند؛ با قرآن و سنت مأنوس باشد و توانایی استنباط احکام شرعی را داشته باشد» (۱۳۶۶/۱۱/۱۷). در واقع، هدف از تشکیل حکومت، ایجاد شرایط مساعد برای تعالی، سعادت و به کمال رسیدن انسان‌هاست؛ شرایطی که افراد مؤمن تربیت شوند و بستر توسعه‌ی اخلاق حسنه و ضیق شدن اخلاق سیئه در جامعه فراهم شود (ر.ک: میرباقری، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۵۱؛ ضمیری، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۶؛ فوزی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). یکی از شرایط اصلی تحقق این هدف، فقیه‌بودن حاکم است؛ چرا که وی آشنا و آگاه به احکام اسلام و شریعت است و می‌تواند هم دین را در جامعه اجرا و عملیاتی کند، تا شرایط تعالی افراد فراهم شود؛ و هم حافظ و نگهبان اجرای درست دین در کشور باشد.

۲-۱. عدالت و تقوا

اسلام ضمن تأکید بر اهمیت و جایگاه ویژه‌ی عدالت، برخورداری از آن را یکی از شروط اساسی رهبر و زمام‌دار جامعه‌ی اسلامی قرار داده است. اگر حاکم نظام سیاسی برخوردار از صفت عدالت و تقوا باشد، برای اداره‌ی امور جامعه و مردم، مصالح و منافع آنان را در نظر گرفته و تابع هوی و هوس و امیال شخصی نخواهد بود. اهل بیت (ع) نیز بر عادل‌بودن حاکم اسلامی تأکید کرده‌اند. پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

«لَعَمَلُ الْإِمَامِ الْعَادِلِ فِي رَعِيَّتِهِ يَوْمًا وَاحِدًا أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادَةِ فِي أَهْلِهِ مَاءً عَامًّا أَوْ خَمْسِينَ؛ عمل یک روز رهبری که میان مردم به عدالت رفتار کند، از عمل صد یا پنجاه سال کسی که در میان اهل و عیال خود مشغول عبادت باشد، بهتر است».

امام صادق (ع) می‌فرماید: «الإمامُ العادلُ لا تُردُّ لَهُ دَعْوَةٌ؛ هرگز دعای رهبر عادل رد نمی‌شود» (به نقل از: قرائتی، بی تا: ۱۰).

رهبر و حاکم جامعه‌ی اسلامی علاوه بر فقیه‌بودن، باید مزین به صفت عدالت نیز باشد تا بر مردم ستم و ظلم نکنند؛ حقوق آنان را تباہ و ضایع نسازد و از بروز فساد جلوگیری کند. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «امر ولایت و سرپرستی امت به فقیه عادل راجع است و اوست که شایسته‌ی رهبری مسلمانان است» (۱۳۶۹: ۳۳). البته به نظر ایشان، برپایی و تشکیل حکومت اسلامی برای فقیهان عادل، واجب کفایی است و اگر یکی از آنها توانست حکومت اسلامی تشکیل دهد، فقهای دیگر باید از او پیروی کنند (ر.ک. همان).

روشن است که برای اجرای عدالت در کشور و به‌وجود آمدن جامعه‌ای بر اساس فضیلت و اخلاق و نیز دستیابی به نظام سیاسی مطلوب، ضرورت دارد که در رأس امت، فردی شایسته، باتقوا و عادل قرار گیرد که گفتار و رفتارش برای مردم الگو باشد؛ زیرا مقام و منصب چیزی است که در برابر هوس‌ها و طمع‌ها است و بسیاری از انسان‌ها برای رسیدن به آن از همه‌چیز خود می‌گذرند (رجالی تهرانی، ۱۳۸۹: ۱۷۵). اگر زمام‌دار مزین به صفت عدالت و تقوا نباشد، چه‌بسا برای حفظ مقام خود، حقوق مردم را پایمال کند و حتی ارزش‌ها و مصالح اسلام و مسلمانان را نادیده انگارد. شاخص عدالت برای حاکم و زمام‌دار جامعه‌ی اسلامی آن‌قدر مهم است که بدون وجود آن، حتی اگر مردم و جامعه، سالم و صالح باشند، باز جامعه و حکومت اسلامی رو به پیشرفت نخواهد رفت؛ اما اگر حاکم و رأس هرم نظام سیاسی مزین به این صفت باشد، به صلاح مردم عمل خواهد کرد و حکومت مطلوب و پیشرفته شکل خواهد گرفت و حتی خطاهای جامعه اصلاح خواهند شد و جامعه‌ی سالم شکل می‌گیرد (ر.ک. بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰). بنابراین، می‌توان گفت که ولایت فقیه، بر اساس تفکر و اندیشه اسلام، به‌معنای «حکومت دین‌شناسان عادل» است (ر.ک. همان: ۱۳۶۲/۲/۳۰). در واقع، امام خمینی (ره) در نظریه‌ی ولایت فقیه خویش، شاخص فقاہت را در برابر علم امام معصوم و شاخص عدالت را در برابر عصمت امام معصوم مطرح کرده است.

۳-۱. توان مدیریت

توان مدیریتی حاکم اسلامی، مفهوم گسترده‌ای است که شامل موارد گوناگونی، مانند: لیاقت و شایستگی، کاردانی و کارآمدی، کفایت و صلاحیت، داشتن بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، قدرت تشخیص و تدبیر، آگاهی به زمان و مسائل و مشکلات جامعه می‌شود. یک رهبر علاوه بر فقاہت و عدالت، باید توانایی و تجربه‌ی مدیریت و قدرت تشخیص مسائل و مشکلات جامعه و بینش سیاسی را نیز داشته باشد تا بتواند مصلحت امت و ملت را به‌درستی تشخیص دهد؛ به‌موقع تصمیم بگیرد؛ اقدامات لازم را انجام دهد و از مشکلات بزرگ و کوچک گره‌گشایی کند (بیانات رهبری، ۱۳۶۲/۲/۳۰). اما در صورت نبود این شاخص در وی، آن شخص شایسته‌ی رهبری و زمام‌داری نظام سیاسی اسلامی نیست؛ چرا که دیگر وی قادر به تصمیم‌گیری درست به‌نفع مسلمانان نخواهد بود (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۷۷-۱۷۸). وجود چنین شاخصی به‌قدری اهمیت دارد که برخی علت اساسی انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان و عدم پیشرفت آنان و نبود وحدت و یک‌پارچگی در بین ایشان را علاوه بر این که فقیه عادل، رهبری جامعه و نظام سیاسی را بر عهده نداشته است، آشنا نبودن و عدم توانایی حاکم با اصول مدیریت و نداشتن بینش درست سیاسی و اجتماعی نیز دانسته‌اند (ر.ک. شیرازی، بی‌تا:

۷-۴). حاکم جامعه‌ی اسلامی مانند شخصی است که هر قدر عالی‌ترین مصالح و مواد را در اختیار داشته باشد، ولی از بنایی عاجز باشد و توان این کار را نداشته باشد، نمی‌تواند ساختمانی بسازد. بنابراین، با توجه به این که حفظ وحدت کل متغیرهای تکامل جامعه‌ی اسلامی و سرپرستی تکامل جامعه در سطح کلان، وظیفه‌ی مهم و اصلی ولی فقیه و رهبر است؛ از این رو، او باید حداقل سه شاخص اصلی: یعنی فقاقت، عدالت و توان مدیریتی را داشته باشد تا بتواند نظام سیاسی را به درستی سرپرستی و هدایت کند و نظام سیاسی را در مسیر تعالی قرار داده و به اهداف مطلوب‌اش برساند.

حال که شاخص ضلع اول و رأس یک نظام سیاسی مطلوب مشخص شد، در ادامه به ویژگی‌های ضلع بعدی، یعنی مسئولان و کارگزاران، خواهیم پرداخت و شاخص‌های مطلوبیت آن‌ها را از نظر این دو بزرگ‌وار تبیین خواهیم کرد.

۲. شاخص‌های مسئولان و کارگزاران در نظام سیاسی مطلوب

امام خمینی (ره) ساختار و شکل نظام سیاسی ولایت فقیه‌ی را جمهوری در نظر گرفتند؛ مسئولان و کارگزاران این ساختار شامل سه قوه‌ی: مقننه، مجریه و قضائیه می‌شود. در این ساختار با وجود وحدت کلمه و اخوت ایمانی، ایشان بر استقلال و تفکیک قوا تأکید بسیاری دارند (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۲: ۲۶۴؛ همان، ج ۱۸). وظایف هر یک از قوا در قانون اساسی مشخص شده است. وظیفه‌ی قوه‌ی مجریه، مدیریت‌های مهم و اداره‌ی همه‌ی امور اجرایی کشور و هزینه کردن بودجه‌ی کلان کشور است. قوه‌ی مقننه، قانون‌گذاری و نظارت بر عملکرد مسئولان دولتی را بر عهده دارد. وظیفه‌ی قوه قضائیه نیز عبارت است از تعقیب متخلفان از قانون و احقاق حق؛ تا کسی به کسی ظلم و تعدی و تجاوز نکند. مهم‌ترین کار و وظیفه‌ی رهبری نظام نیز تعیین سیاست‌های کلان کشور است؛ یعنی آن چیزهایی که جهت‌گیری کشور را مشخص می‌کند و همه‌ی قوانین، مقررات و عملکردها باید در این جهت باشند (ر.ک. بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۰۸/۰۸). بنابراین، کار عمده‌ی اداره‌ی مدیریت کشور بر عهده‌ی قوه‌ی مجریه است و دولتی مطلوب است که کریمه باشد؛ زیرا دولت کریمه برای مردم دنیا پیام و حرف نو دارد و نماد مردم‌سالاری دینی است (ر.ک. همان: ۱۳۸۰/۰۶/۰۵).

با توجه به بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده بر روی اندیشه‌ها، بیانات و رهنمودهای امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان شاخص‌هایی که این دو شخصیت برای مسئولان و کارگزاران در نظر گرفته‌اند را به دو دسته شاخص‌های شخصی و اجتماعی تقسیم کرد؛ چرا که این بزرگواران برای یک نظام سیاسی مطلوب، فقط حال اجتماعی افراد نظام را در نظر نداشته‌اند، بلکه بر این اعتقادند که افراد تا خود به تعالی و پیشرفت اخلاقی و فردی نرسیده

باشند، نمی‌توانند در سطح مدیریت اجتماع و نظام، کارهایی برای پیشرفت و تعالی جامعه انجام دهند. در واقع، مطلوب بودن نظام سیاسی که در گرو اتحاد و استقلال کشور است، توسط کارگزاران خودساخته‌ای انجام و تضمین می‌شود که در سطح بالای اخلاق فردی و اجتماعی قرار گرفته باشند. بنابراین، در ادامه، شاخص‌های کارگزاران به دو بخش شاخص‌های فردی و مدیریتی تقسیم شده و برای هر یک معیارهایی به‌طور خلاصه برشمرده می‌شود.

۲-۱. شاخص‌های فردی مسئولان و کارگزاران

۲.۱.۱. ایمان، تقوا، تزکیه و جلب رضای خدا

از نظر امام خمینی(ره)، مسئول و متصدی امری که ایمان نداشته باشد، مجال است در خدمت مردم باشد (ذاکری، ۱۳۸۴: ۲۵). ایشان سرچشمه‌ی همه‌ی مفساد حکومت گذشته را نداشتن اعتقاد و ایمان می‌داند؛ چرا که ایمان و تعهد کارگزاران باعث فداکاری آن‌ها در کار و بی‌توجهی به منفعت طلبی‌شان می‌شود و به‌همین دلیل، تطمیع و تهدید در آن‌ها اثری ندارد؛ چنین مسئولی به کشور و نظام اسلامی خیانت نمی‌کند و در نتیجه کارآمدی‌شان بیش‌تر می‌شود (بنیاد مستضعفان، ۱۳۷۲: ۵۵-۵۶). نتیجه‌ی چنین نظام سیاسی‌ای، شکل‌گیری جامعه‌ی توحیدی مطلوب است؛ به‌معنای این که همه‌ی افراد، مؤمن و معتقد به خدا می‌شوند. بنابراین، می‌توان گفت قدرت الهی یک نظام سیاسی مطلوب از ایمان و تقوای افراد مسئولش سرچشمه می‌گیرد. از طرف دیگر، این ایمان پشتمانه‌ی محکم و استواری برای نظام سیاسی مطلوب خواهد بود و با وجود چنین مدیرانی می‌توان به آینده‌ی نظام بسیار خوش‌بین و نسبت به پیشرفت آن امیدوار شد.

باتقوا بودن مسئولان و کارگزاران حداقل دو نتیجه را برای کشور، جامعه و مردم به‌دنبال خواهد داشت. اولاً، با داشتن تقوا می‌توان به اسلام و ملت خدمت کرد و منافع و مصالح اسلام و مسلمانان را تأمین نمود؛ ثانیاً، با داشتن تقوا می‌توان از بروز چنددستگی‌ها و اختلاف‌ها جلوگیری کرد و از کشور در برابر توطئه، خیانت و کودتای دشمنان حفاظت نمود تا آسیبی به نظام و مملکت اسلامی وارد نشود (ر.ک. بنیاد مستضعفان، ۱۳۷۲: ۶۳-۶۶). در واقع، به دو دلیل مسئولان باید تقوا داشته باشند: اول آن که اگر متصدیان امر تقوا نداشته باشند، بی‌تقوایی آن‌ها بر اسلام ضایعه وارد می‌کند و وزر و وبالش به گردن آن‌هاست و باعث روسیاهی‌شان می‌شود؛ دوم این که ویژگی نظام اسلامی و الهی این است که حرکت و موفقیت‌اش فقط با تقوا امکان‌پذیر است (ر.ک. بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۵/۲۳).

علاوه بر بهره‌مندی صحیح و کافی از ایمان و تقوا، تزکیه‌ی نفس نیز برای مسئولان ضرورت دارد؛ زیرا سران یک حکومت و کارگزارانش بیش‌تر از بقیه در معرض خطا و اشتباه هستند و اگر تزکیه‌ی نفس نداشته باشند، طغیان و سرکشی می‌کنند و محدوده‌ی ظلم و فساد آن‌ها بسیار گسترده است؛ حتی ممکن است یک منطقه و جهانی را در برگیرد. این درحالی است که عدم تزکیه‌ی نفس مردم عادی و خودخواهی آن‌ها ممکن است گستره‌ی محدودی را به فساد بکشاند. اگر مقام‌های یک کشور و نظام سیاسی مهذب شده و به خودسازی پرداخته باشند، در کشور آرامش برقرار می‌شود و این آرامش هم برای مردم کشور و هم برای کشورهای اطراف آن سودمند است؛ چراکه تزکیه‌ی نفس باعث می‌شود خودخواهی‌ها، خودبینی‌ها، ریاست‌طلبی‌ها، دنیاطلبی‌ها و ظلم و غیره از بین برود و به‌جای همه‌ی این‌ها خدای متعال و رضایت او قرار گیرد (ر.ک. بنیاد مستضعفان، ۱۳۷۲: ۵۰-۵۱؛ سعادت‌مند، ۱۳۸۲: ۱۰۷). در واقع، نوسازی معنوی نظام اسلامی و ملت مسلمان در گرو این مجاهدت بزرگ، یعنی تزکیه‌ی نفس مسئولان، مدیران و کارگزاران نظام و سپس مردم و جامعه است و اگر سران کشور و مسئولان اصلاح شوند، جامعه نیز اصلاح خواهد شد (ر.ک. بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۹/۷: ۱۳۸۰/۹/۲۱). ایجاد مشکل برای مردم، ایجاد اختلاف، طغیان و سرکشی، هلاکت در دنیا و آخرت، برخی از خطرهای عدم تهذیب نفس مسئولان است (ذاکری، ۱۳۸۴: ۳۱). بنابراین، اولین و مهم‌ترین شاخص فردی و شخصی مسئولان و کارگزاران، داشتن تزکیه، تقوا و ایمان است که در نتیجه‌ی آن‌ها، افراد خودساخته‌ای بر سر کار خواهند آمد که به نفع و صلاح نظام و مردم کار خواهند کرد، نه به ضرر آن‌ها؛ و نیز رضای خدای متعال جلب خواهد شد.

۲.۱.۲. خودباوری و اعتماد به نفس

مسئولان باید به توانایی‌های خود و کشور باور داشته و در کارشان محکم و استوار باشند. عدم اعتماد به نفس در کارها و گم کردن خود، اولاً باعث تزلزل در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود و کارها را با شکست روبه‌رو می‌کند و کشور و جامعه را دچار عقب‌ماندگی می‌سازد؛ ثانیاً سبب سلطه‌ی اجانب می‌شود، زیرا فکر می‌کنند که توان مقابله با ابرقدرت‌ها را ندارد و بدون آن‌ها نمی‌توان به پیشرفتی دست یافت (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۶۱: ج ۱۴: ۵۰؛ ج ۱۵: ۱۹۲ و ۲۰۹). در واقع، اعتماد به نفس مدیران، یک ارزش اساسی و پایه‌ی اصلی در نظام سیاسی مطلوب است و باعث سازندگی، آبادانی و پیشرفت کشور می‌شود و عدم اعتماد به نفس آن‌ها سبب می‌شود که از برنامه‌هایی که هر کشوری برای پیشرفت لازم دارد، غافل

شوند و یا به دلیل سستی اراده از اجرای این برنامه‌ها منصرف شوند (ر.ک. بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱؛ ۱۳۷۵/۰۶/۰۸).

۲،۱،۳. صبر و استقامت

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

شاخص‌های نظام
سیاسی مطلوب
از دیدگاه
امام خمینی (ره) و
آیت‌الله خامنه‌ای
(۸۳ تا ۱۰۲)

با توجه به روایات، صبر سه گونه است: صبر بر طاعت، صبر از معصیت، صبر در مصیبت. این سه گونه صبر، شخصی است و مسئولان باید در برابر حفظ آرمان‌ها، اهداف و ارزش‌های اسلامی صبر و مقاومت بیش‌تری داشته باشند و بر آن پایداری و پافشاری کنند؛ زیرا آثار و تبعات بی‌صبری مسئولان دامن‌گیر همه‌ی مردم می‌شود و در عرصه‌ی عمومی، ملی و همگانی اثر می‌گذارد. اما با صبر و استقامت در کارها است که می‌توان بر مشکلات داخلی و دشمنان خارجی پیروز شد و به پیشرفت در عرصه‌های گوناگون دست یافت (ر.ک. همان: ۱۳۸۳/۰۸/۲۰؛ ۱۳۸۷/۰۶/۱۹).

صبر و استقامت مسئولان نظام اسلامی آثار و پیامدهای مثبتی برای نظام سیاسی و مردم دارد. از جمله‌ی این آثار عبارت است از:

۱. عمل به دستور خدا و قرآن کریم و نیز عمل به سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) (ر.ک. همان: ۱۳۸۷/۰۵/۰۹)؛
۲. غلبه بر مشکلات و سختی‌ها و برطرف شدن موانع (ر.ک. همان: ۱۳۸۱/۰۸/۰۷)؛
۳. امید بخشیدن به مردم و محرومان و زیاد شدن شجاعت و قدرت مردم (ر.ک. همان: ۱۳۶۹/۱۲/۰۱)؛
۴. علاقمندی مردم به مدیران و نظام سیاسی (ر.ک. همان: ۱۳۸۳/۰۶/۳۱)؛
۵. تحقق یافتن نظام سیاسی اسلامی و ایجاد کشور اسلامی؛
۶. ایجاد عزت، قدرت، رفاه و عظمت برای مردم و کشور (ر.ک. همان: ۱۳۸۰/۰۹/۲۱)؛
۷. دست‌یابی کشور به پیشرفت همه‌جانبه (ر.ک. همان: ۱۳۸۷/۰۵/۰۹)؛
۸. الگو و اسوه شدن برای مسلمانان عالم (ر.ک. همان: ۱۳۸۱/۰۷/۱۷)؛
۹. پیروزی بر دشمنان و توطئه‌های‌شان و مأیوس شدن آنان (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۶: ۱۱۲).

به این ترتیب، رهبران انقلاب اسلامی برای مسئولان و کارگزاران یک نظام سیاسی مطلوب، بر سه شاخص فردی، یعنی داشتن تزکیه، تقوا و ایمان؛ خودباوری و اعتماد به نفس؛ و صبر و استقامت تأکید کرده‌اند. در ادامه به شاخص‌های مدیریتی و اجتماعی‌ای مسئولان پرداخته می‌شود.

۲.۲. شاخص‌های مدیریتی مسئولان و کارگزاران

۲.۲.۱. خدمت‌گزار بودن

در بیان اهمیت این شاخص اجتماعی و مدیریتی، همین بس که در صحیفه‌ی امام خمینی(ره)، واژه‌ی خدمت‌گزاران ۴۹ مرتبه، واژه‌ی خدمت‌گزاری ۶۹ بار و خدمت‌گزار ۳۹۵ مورد به کار رفته است. هم‌چنین در بیانات مقام معظم رهبری، واژه‌ی خدمت‌گزار تا سال ۱۳۹۵، ۳۳۱ مرتبه، خدمت‌گزاری ۹۳ مرتبه و خدمت‌گزاران ۱۲۶ بار آمده است که نشانگر والایی و اهمیت این شاخص در دیدگاه این دو بزرگوار است (ر.ک. نرم‌افزار به‌سوی نور).

از دید امام خمینی(ره)، حکومت اسلامی، حکومت خدمت به مردم است و پیامبر اسلام(ص) خدمت‌گزار مردم بود و مسئولان نظام اسلامی نیز باید خدمت‌گزار مردم باشند (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۳۸۴). در واقع، «خدمت‌بندگان خدا، خدمت به خداست» (همان، ج ۵: ۵۰۲) و این خدمت از حقوق مردم و جزء عبادت‌ها محسوب می‌شود. شرط عدم جدایی ملت از مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی، خدمت‌گزار بودن آنهاست. بنابراین، مردم باید هم لفظاً و هم عملاً احساس کنند که مسئولان خدمت‌گزارشان هستند (ر.ک. همان، ج ۱۳: ۱۸۸)؛ چرا که خدمت و محبت به مردم، محبت متقابل می‌آورد و خداوند نیز از آنان راضی خواهد بود (ر.ک. همان، ج ۷: ۷ و ۲۵۹-۲۶۰). نحوه‌ی این خدمت‌گزاری باید به‌عنوان یک وظیفه و بدون منت گذاشتن یا تحقیر کسی و یا بزرگ تصور کردن خود باشد و به مستضعفان توجه بیش‌تری شود (ر.ک. همان، ۲۰۴ و ۵۱۶)؛ زیرا محرومان «اولاً احتیاج‌شان بیش‌تر است و عدل این را اقتضاء می‌کند؛ ثانیاً پشتیبانی آن‌ها از نظام، جدی‌تر و همیشگی‌تر است» (حدیث ولایت، ۱۳۷۵، ج ۷: ۲۵۵).

۲.۲.۲. ساده‌زیستی، پرهیز از تجملات و مردمی‌بودن

امام خمینی(ره)، نه تنها به مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی به ساده‌زیستی و مردمی‌بودن سفارش می‌کردند، بلکه خود نیز در زندگی ساده‌زیست بودند (ر.ک. ذاکری، ۱۳۸۴: ۶۴). تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری، مترادف با مصرف‌زدگی، اسراف و تبذیر است که حرام و از گناهان کبیره محسوب می‌شود و علاوه‌بر وارد ساختن آسیب جدی به روابط مردم، حکومت و مسئولان و نیز رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و تجملاتی در جامعه، اقتصاد و نظام مالی کشور اسلامی را با خطر فساد و رانت‌خواری و انباشت ثروت در دست قدرت‌مندان و ایجاد فاصله‌ی طبقاتی در جامعه، بیکاری، تورم و فقر بحران‌زا روبه‌رو می‌کند (واحد تحقیقات قدر ولایت، ۱۳۸۲: ۱۸۸). تجمل‌گرایی و زندگی مرفهانه مسئولان خطرناک و ضررهای بسیاری دارد. از جمله: ۱. شکست اسلام و نظام اسلامی (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸: ۴۴؛ بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵)؛ ۲. مطرود شدن از طرف مردم و عدم اعتماد مردم به مسئولان کشور (ر.ک. همان، ج ۱۷: ۲۶۲).

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

شاخص‌های نظام
سیاسی مطلوب
از دیدگاه
امام خمینی(ره) و
آیت‌الله خامنه‌ای
(۸۳ تا ۱۰۲)

بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۵/۲۳؛ ۳. دور شدن از ارزش‌های معنوی و معنویت (ر.ک. همان، ج ۱۹: ۱۵۲)؛
۴. به خطر افتادن دنیا و آخرت مسئولان (ر.ک. همان، ج ۲۰: ۱۲۰)؛ ۵. از بین رفتن آبروی مسئولان
در جامعه (ر.ک. همان، ج ۱۷: ۱۷۷)؛ ۶. تن به ذلت دادن و تسلیم شدن در برابر دشمنان و ابرقدرت‌ها
(ر.ک. همان، ج ۱۹: ۱۷)؛ ۷. تأمین نشدن عدالت اجتماعی؛ ۸. عدم ایجاد روحیه‌ی برادری، الفت،
انس و همدلی در کشور؛ ۹. برطرف نشدن مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی کشور
(ر.ک. بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۱۰/۰۴)؛ ۱۰. تضییع سرمایه و اموال بیت‌المال و تضییع حقوق مردم
(ر.ک. همان: ۱۳۷۵/۱۲/۲۹)؛ ۱۱. ایجاد بی‌انضباطی اقتصادی و مالی (ر.ک. همان: ۱۳۷۳/۱۲/۲۹)؛
۱۲. تضییع نعمت‌های الهی و نشناختن قدر نعمت‌های خداوند و در نتیجه، به دام گناه و اسراف
گرفتار شدن (ر.ک. همان: ۱۳۷۵/۱۲/۲۹)؛ ۱۳. شکل‌گیری فرهنگ اسراف و تجمل‌گرایی (ر.ک.
همان، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵)؛ ۱۴. عمیق‌تر شدن شکاف‌های طبقاتی بین فقیر و غنی (ر.ک. همان:
۱۳۸۱/۰۹/۱۵).

از طرف دیگر، ساده‌زیستی و مردمی بودن مسئولان و کارگزاران نظام سیاسی، آثار
مثبت و مطلوب بسیاری دارد که عبارت است از: ۱. آرامش قلبی و روحی و آسودگی وجدان
مسئولان؛ ۲. ایجاد تحول همه‌جانبه و پیشرفت نظام سیاسی (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۸: ۱۶۶)؛
۳. دستیابی به پیروزی در برابر دشمنان و ابرقدرت‌ها (ر.ک. همان، ج ۱۶: ۱۱۳)؛ ۴. انجام سریع‌تر
کارها و برنامه‌ها (ر.ک. همان، ج ۱۵: ۱۲۲)؛ ۵. شکل‌گیری انضباط اقتصادی و مالی و حل شدن
مشکلات اقتصادی مردم و کشور (ر.ک. بیانات رهبری، ۱۳۷۳/۱۲/۲۹)؛ ۶. دستیابی به رضایت
خدای متعال (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸: ۲۰۰)؛ ۷. کسب پیشستیانی و اعتماد مردم (ر.ک. همان،
ج ۱۶: ۱۲).

۲،۲،۳. انتقادپذیری

انتقاد، به معنای عیب‌جویی نیست، بلکه نقد به معنای عیارسنجی است؛ یعنی «یک چیز
خوب را آدم ببیند که خوب است، یک چیز بد را ببیند که بد است. اگر این شد، آن وقت
نقاط خوب را که دید، با نقاط بد جمع‌بندی می‌کند» (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴). انتقاد، مصداق
بارز فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است؛ پس باید سالم، سازنده و درست و نیز از
روی برادری و مصلحت‌گویی باشد. وضعیت زبان هم باید به صورت نصیحت منصفانه و
مشفقانه و پند و اندرز باشد تا سبب راهنمایی دولت در کارها و امور شود و برای پیشرفت
و سازندگی کشور نیز مؤثر و مفید باشد؛ چراکه در غیر این صورت، سبب ناامیدی مردم و
تضعیف و یا حتی تخریب نظام سیاسی می‌شود (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۴: ۲۱)؛ بیانات رهبری،
۱۳۸۱/۰۴/۰۵). انتقاد به‌جا و سازنده و مطرح‌شدن اشکال‌ها باعث روشن شدن عیوب و اشکالات

و رشد جامعه و هدایت جریان‌های موجود در جامعه و تقویت نظام می‌شود و راه را برای سعادت جامعه باز می‌کند (ر.ک. همان، ج ۲۱: ۴۸ و ۷۸).

۲.۲.۴. پاسخ‌گو بودن مسئولان و اطلاع‌رسانی شفاف به افکار عمومی

پاسخ‌گویی مسئولان یک حقیقت اسلامی و حق مردم است. مسئولیت مدیر و کارگزار در کشور اسلامی ایجاب می‌کند که وی درباره‌ی مسائل حوزه‌ی مسئولیت خود برای مردم توضیح دهد و هرگاه سوءظن و یا سؤال و ابهامی برای مردم ایجاد شد، تلاش کند تا آن را برطرف کرده و دلایل عملکرد و برنامه‌های خود را برای مردم بیان کند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۴۸). در واقع، پاسخ‌گو بودن مسئولان شبیه کارنامه‌خوانی و ارائه‌ی گزارش کارها و عملکردها، برنامه‌های انجام‌شده و تصمیم‌های گرفته‌شده توسط مدیران است (ر.ک. بیات رهبری، ۱۳۸۳/۰۶/۰۴). اما میزان و مقدار پاسخ‌گویی مسئولان به‌همان اندازه‌ی حوزه‌ی اختیارات‌شان و تعیین قانون است (ر.ک. همان: ۱۳۸۲/۰۲/۲۲). اهمیت پاسخ‌گو بودن مدیران در نظام سیاسی به‌دلیل وجود احتمال خطا و اشتباه و پیشگیری از فساد آن‌ها و احقاق حقوق شهروندان است و ریشه‌ی برخی از گرفتاری‌ها به‌دلیل غفلت‌ها، کوتاهی‌ها و تنبلی‌های مسئولان و دستگاه‌های مختلف نظام در رابطه با پاسخ‌گویی به مردم است (ر.ک. همان: ۱۳۷۸/۱۲/۱۱). از این‌رو با رعایت این شاخص، کمبودها و نواقص کارها و امور شناخته شده و نقاط ضعف برطرف و اصلاح می‌شوند؛ برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بهتر و دقیق‌تری برای ادامه‌ی کارها صورت می‌گیرد و در نتیجه، دستگاه‌ها و نظام کارآمدتر خواهد شد؛ جامعه نیز بهتر اداره می‌شود و منافع و مصالح کشور و مردم بیش‌تر و بهتر تأمین خواهد شد (ر.ک. همان: ۱۳۸۳/۰۱/۰۲).

۲.۲.۵. مبارزه با فساد

بیش‌ترین نوع فسادی که گریبان‌گیر یک نظام سیاسی اسلامی است، فساد اقتصادی و مالی و فساد اخلاقی و منکرات است که مبارزه با هر دو جریان با توجه به معیارهای اسلامی، از تکالیف و وظایف اصلی و مهم مسئولان و کارگزاران نظام سیاسی و جزء تعالیم اسلام و نیز یکی از شاخص‌های برجسته‌ی رفتار و سیره علوی است؛ به‌طوری‌که حتی مشروعیت مدیران در گرو مبارزه‌شان با فساد و رواج عدالت در جامعه است (ر.ک. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۴: ۶؛ بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲). فساد اقتصادی، مالی و اداری جزء بدترین نوع فساد است که مبارزه با آن، لازمه‌ی اصلاح نظام و پیشرفت و آبادانی کشور است و نیز سبب گشایش اقتصادی، بهبود معیشت مردم، تأمین‌شدن امنیت کشور و عزت بین‌المللی می‌شود. البته مدیران و مسئولان باید در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های خود نسبت به جریان فساد اخلاقی و منکرات، به‌ویژه نوع سازمان‌یافته‌ی آن حساسیت داشته باشند و اقدامات لازم را به‌عمل آورند (ر.ک. همان: ۱۳۸۵/۰۸/۲۰).

۲.۲.۶. رعایت عدالت اجتماعی، فقرزدایی و کمک به محرومان و مستضعفان

اسلام برای جلوگیری از تبعیض‌ها، ستم‌ها و تجاوز به حقوق دیگران برای تمام مسئولان، دست‌اندرکاران و نقش‌آفرینان، شاخص عدالت و توجه به محرومان را شرط اساسی دانسته است و ظلم‌ها، بیدادگری‌ها، خیانت‌ها و ستم‌ها را ناشی از نبود عدالت در جامعه و بی‌توجهی به مستضعفان می‌داند (به نقل از ذاکری، ۱۳۸۴: ۳۶). زمانی می‌توان گفت یک نظام سیاسی مطلوب و متعالی است که در جامعه‌ی آن، عدالت اجتماعی برقرار باشد (رک. بیانات رهبری: ۱۳۸۴/۰۲/۱۱). البته عدالت به معنای یکسان‌بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ بلکه به معنای یکسان‌بودن فرصت‌ها و حقوق است. همه‌ی مردم باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند باشند (رک. همان: ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). به هر مقدار که مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی، شکاف‌های طبقاتی را از بین نبرند و عدالت اجتماعی به معنای حقیقی در کشور رعایت نشود، سبب عقب‌ماندگی خواهد شد و کشور به پیشرفت، شکوفایی و تعالی نخواهد رسید؛ بنابراین، بزرگ‌ترین مسئولیت مدیران و کارگزاران نظام سیاسی، تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی و پرکردن شکاف طبقاتی است که جزء اهداف و ارزش‌بالای اسلام است (رک. همان: ۱۳۸۲/۰۷/۲۲).

۲.۲.۷. حفظ وحدت و دوری از تفرقه و اختلاف

رمز حفظ نظام سیاسی اسلامی و مصالح آن، در گرو وحدت ملت و دوری از اختلاف‌ها و تفرقه است (رک. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۶: ۱۵۶). بنابراین، حفظ وحدت و پرهیز از تشنج از اوجب واجبات برای مسئولان و کارگزاران است؛ زیرا «اگر کشور بخواهد به سمتی که برای آن مطلوب است - چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ معنوی یا سطح علم و سواد - پیشرفت بکند، به محیط آرام و بی‌تشنج احتیاج دارد» (بیانات رهبری: ۱۳۷۹/۰۸/۲۴). البته نمی‌توان منکر شد که اختلاف سلیقه و اختلاف رأی و نظر در بین مدیران و مسئولان نظام وجود دارد، ولی نباید سبب دشمنی و اختلاف بین آن‌ها شود (رک. همان، ج ۲۰: ۲۱۲)؛ بلکه آنان باید با یک‌دیگر با محبت رفتار کنند و با چشم برادری به هم بنگرند و در برابر مشکلات پشتیبان هم باشند (رک. همان، ج ۱۹: ۱۰۹). با رعایت این شاخص، شامل رحمت الهی خواهند شد؛ چرا که خداوند فرموده است: «ید الله مع الجماعة». اما در صورت صدمه‌زدن به وحدت، گرفتار معصیت و گناه خواهند شد (رک. همان، ج ۱۷: ۱۱). در واقع، «همدلی، همفکری و همکاری» و خلاصه این که اتحاد و وحدت بین مسئولان و کارگزاران در نظام سیاسی، شرط پیشرفت کار و زمینه‌ساز مطلوب‌بودن آن نظام خواهد بود و دشمنان را ناامید خواهد کرد. در جمع‌بندی این محور می‌توان گفت اگر مسئولان و کارگزاران خودساخته، باتقوا، صبور و با اعتماد به نفس، خود را مکلف بدانند که این شاخص‌های مدیریتی و اجتماعی را

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

شاخص‌های نظام
سیاسی مطلوب
از دیدگاه
امام خمینی(ره) و
آیت‌الله خامنه‌ای
(۸۳ تا ۱۰۲)

رعایت کنند؛ هم سبب آرامش قلبی و آسودگی وجدان برای خودشان می‌شوند، و هم باعث حل شدن مشکلات مردم، ناامید شدن دشمنان و پیروزی در برابر آن‌ها. به این ترتیب هم تحول همه‌جانبه، عزت و تعالی نظام سیاسی به‌دست می‌آید و هم پشتیبانی و اعتماد مردم و بالاتر از همه، رضایت خدای متعال کسب می‌شود. با مشخص شدن ویژگی‌های دو ضلع نظام سیاسی مطلوب، در محور بعدی مقاله به شاخص‌های مردم، به‌عنوان ضلع سوم و قاعده‌ی هرم نظام سیاسی پرداخته می‌شود.

۳. شاخص‌های مردم در نظام سیاسی مطلوب

مردم، مهم‌ترین پایه و راسخ‌ترین عمود یک نظام سیاسی هستند که جایگاه والا و مهمی در نظر اندیشمندان اسلامی دارند. از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، مردم چهار شاخص اصلی در نظام سیاسی مطلوب دارند که عبارتند از: «آگاهی، نظارت، مشارکت و هم‌گامی» که در این میان، سه شاخص: نظارت، مشارکت و هم‌گامی به‌صورت تکلیف و وظیفه‌ی شرعی بر آن‌ها واجب است. هرچند این بزرگواران به شاخص‌های دیگری مانند: داشتن ایمان و تقوا، اعتماد به مسئولان و کارگزاران نظام، پشتیبانی از کشور و نظام، امید به آینده و داشتن نشاط و غیره برای مردم اشاره کرده‌اند، اما چهار شاخص اصلی که بیان شده، عام و عمومی است و همه‌ی این‌ها را در بر می‌گیرد. در ادامه، این چهار شاخص توضیح داده می‌شوند:

۳.۱. آگاهی، هوشیاری و بصیرت‌داشتن

اولین شاخص مردم در یک نظام سیاسی مطلوب، آگاهی، هوشیاری و بصیرت داشتن آنان است. زیرا با وجود این شاخص است که مردم می‌توانند اقدامات درستی انجام دهند؛ مشارکت سیاسی داشته باشند؛ نظارت و پیگیری کنند و با حکومت هم‌گامی کنند. در واقع، اگر مردم آگاه، هوشیار و با بصیرت باشند، بقیه‌ی راه‌ها و کارها را خود با دارا بودن قوه‌ی عقل و اختیار طی خواهند کرد؛ اما اگر به آگاهی نرسند و بصیرت نداشته باشند، طی راه برای آن‌ها مشکل و یا شاید غیرممکن خواهد شد. زیرا حرکت در درون تاریکی برای آن‌ها مقدور نیست، بلکه باید نوری بتابد تا جلوی پای خود را ببینند و بتوانند به پیش حرکت کنند (جمشیدی، ۱۳۷۸: ۱۹۳-۱۹۴). اولین اثر آگاهی و بصیرت مردم این است که امنیت جامعه و نظام سیاسی حفظ شده و آرامش و نظم حکم‌فرما خواهد شد؛ چرا که انسان آگاه و با بصیرت، صلاح و فساد خود را به‌وسیله‌ی بصیرت می‌فهمد و همواره با چشمانی باز و بیدار به دشمنان می‌نگرد و مراقب است که دست‌خوش توطئه‌ها، فریب‌ها و حیل‌های دشمنان نشود و با هوشیاری کامل، جواب همه‌ی فتنه‌ها را می‌دهد؛ پس آسیب‌ناپذیر خواهند بود (رک. امام خمینی،

۱۳۶۱، ج ۲: ۲۵۹؛ ج ۲۰: ۲۴۱). چنین مردم با بصیرتی همیشه پشتیبان دولت، مجلس و دیگر ارگان‌های نظام سیاسی است و با هوشیاری و بیداری خود از تفرقه‌ها به کلی پرهیز می‌کند؛ چرا که با بصیرت خویش می‌داند که تفرقه سبب می‌شود تا کشورش نتواند به رشدی که باید و شایسته آن است، دست یابد (رک. همان، ج ۱۱: ۲۲۱؛ بیانات رهبری: ۱۳۸۷/۰۳/۲۶). با وجود چنین شاخصی است که می‌توان به مردم لقب «مردم هوشمند و زمان‌شناس» را داد.

۲.۲. مشارکت و حضور در صحنه‌های گوناگون کشور

حضور و مشارکت مردم در سرنوشت و آینده‌ی نظام سیاسی تأثیر به‌سزایی دارد که یکی از عرصه‌های مهم آن، شرکت مردم در انتخابات است. در واقع، شرکت در انتخابات عام‌ترین، آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین نوع مشارکت سیاسی است و یکی از معیارهای مناسب برای کشف میزان مشارکت سیاسی مردم، هرچند به‌گونه‌ی کمی آن است. مشارکت مردم در نظام، علاوه‌بر این که وظیفه است، بزرگ‌ترین ضمانت حفظ تعالی، صیانت و امنیت کشور است؛ زیرا سبب تأمین استقلال نظام سیاسی و آزادی ملت، اصلاحات در همه‌ی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس معیارهای اسلامی و غلبه‌بر طاغوت زمان و ابرقدرت‌ها می‌شود (رک. امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۴: ۶).

به‌نظر مقام معظم رهبری، صرف حضور مردم در انتخابات و مشارکت‌شان بسیار مهم و بالاهمیت است و حتی از انتخاب فرد اصلح هم مهم‌تر است (هرچند انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد)؛ چرا که حضور و مشارکت مردم نشانگر هم‌بستگی ملی آنهاست و این سبب صیانت و حفظ نظام سیاسی می‌شود (رک. همان: ۱۳۸۴/۰۲/۱۷). برخی از آثار و برکت‌های مشارکت عمومی و حضور مردم در عرصه‌های گوناگون کشور، به‌ویژه عرصه‌ی سیاسی و انتخابات عبارت است از: ۱. مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی اسلامی (رک. همان: ۱۳۸۷/۰۳/۲۹)؛ ۲. تحقق یافتن مردم‌سالاری دینی و اسلامی (رک. همان: ۱۳۹۲/۰۱/۰۱)؛ ۳. افزایش خودآگاهی و هم‌بستگی ملی؛ ۴. تعالی، بالندگی و نشاط کشور؛ ۵. تأمین امنیت، صیانت و حفظ کشور (رک. بیانات رهبری: ۱۳۸۴/۰۱/۰۱)؛ ۶. فراهم شدن عزت، اقتدار، سربلندی و آبروی نظام سیاسی (رک. همان: ۱۳۷۶/۰۹/۱۸)؛ ۷. خنثی‌سازی توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان و مأیوس شدن آنان؛ ۸. امیدوار شدن مسئولان و کارگزاران نظام سیاسی؛ ۹. پایداری، حفظ و استحکام اصل و ارکان نظام سیاسی اسلامی (رک. حدیث ولایت، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۳۰ و ۲۲۶).

۳.۳. نظارت

مردم و قشرهای مختلف، علاوه‌بر داشتن بصیرت و آگاهی و حضور فعال در صحنه‌های سیاسی گوناگون جامعه و مشارکت سیاسی در تعیین آینده و سرنوشت کشورشان، باید بر

عملکرد دولت مردان و مسئولان امر نیز نظارت داشته باشند تا بتوان به نظام سیاسی مطلوب دست یافت. حق نظارت، خواستن و پیگیری کردن، جزو شروط لازم مردم در نظام سیاسی مطلوب است (رک. بیانات رهبری: ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). از دیدگاه امام خمینی (ره)، مردم باید در همه‌ی امور و شئون کشور نظارت کنند و این امر، یک تکلیف شرعی الهی و تعهد ملی است و بر همه‌ی مردم واجب است و متخلف از آن، مخالف خداوند متعال و اوامر او و خائن به کشور و نظام سیاسی اسلامی محسوب می‌شود (رک. همان، ج ۱۵: ۶۰). علت تأکید ایشان بر نظارت عمومی مردم این است که دشمنان و شیاطین نتوانند در کشور رخنه کنند و امنیت کشور به خطر نیفتد؛ زیرا با نظارت مردم بر کارهای مسئولان و دست‌اندرکاران کشور، رعایت قوانین توسط آن‌ها بهتر و دقیق‌تر صورت خواهد گرفت. در این صورت، هم امنیت کشور و هم منافع عمومی ملت حفظ می‌شود و نیز نظام سیاسی به معنای واقعی مترقی خواهد شد (رک. همان، ج ۴: ۲۶۴).

نکته‌ی قابل توجه، روش نظارت مردمی است که می‌تواند در قالب امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد. این روش، خاص و ویژه‌ی نظام سیاسی اسلامی است و خیر و صلاح و منافع بشری را در بردارد (رک. همان: ۱۳۷۹/۰۹/۲۵). آثار و برکت‌های چنین نظارتی عبارت است از: ۱. اگر مسئول و مدیری اشتباه کرد، مردم با نظارت خود با او مقابله می‌کنند و جلوی اشتباه او را می‌گیرند؛ ۲. مردم بر روند انتخابات و صندوق‌ها و آراء نظارت می‌کنند تا در آن تخلفی صورت نگیرد و انتخابات سالم برگزار شود؛ ۳. نظارت مردم سبب عدم نفوذ دشمنان در کشور می‌شود؛ ۴. نظارت عمومی مردم باعث پیشرفت و بالندگی نظام سیاسی و کشور اسلامی به معنای واقعی کلمه می‌شود؛ ۵. با نظارت مردم، کشور اسلامی و نیز مسئولان و مدیران و کارگزاران اصلاح می‌شوند؛ ۶. نظارت عمومی سبب حفظ بیت‌المال و هدر نرفتن اموال ملت می‌شود؛ ۷. نظارت مردم بر مسئولان باعث حفظ اسلام و نظام سیاسی می‌شود (رک. همان، ج ۴، ص ۱۲۱ و ۲۶۴، ج ۵، ص ۷۳).

به این ترتیب، حوزه‌ی نظارت مردم را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد که عبارت است از: ۱. نظارت مردم بر اسلامی بودن نظام سیاسی و زیربخش‌های آن؛ ۲. نظارت مردم بر مسئولان، مدیران و کارگزاران نظام سیاسی؛ ۳. نظارت مردم بر روند انتخابات و حضور در پای صندوق‌های رأی؛ ۴. نظارت مردم بر کار اصناف و احزاب گوناگون در جامعه؛ ۵. نظارت مردم بر خود.

۳،۴. هم‌گامی و اتحاد

اساس یک کشور با اتحاد و هم‌گامی مردمش حفظ می‌شود. علت این که دشمنان اسلام و بسیاری از قدرت‌ها با نظام سیاسی اسلامی مخالف هستند، این است که با اتحاد و هم‌گامی

مردم و اعتماد و پشتیبانی آن‌ها از نظام سیاسی، هیچ‌گاه کشور شکست نمی‌خورد و تحت هیچ بیرقی قرار نمی‌گیرد، مگر زیر پرچم اسلام و نظام اسلامی. در نتیجه، امنیت آن نظام و جامعه تضمین خواهد شد (رک. همان، ج ۱۷: ۱۱۸). هم‌گامی و همدلی مردم با نظام سیاسی و اتحاد آن‌ها، علاوه بر آن که نعمت بزرگ خداوند و یک فریضه است، آثاری هم‌چون اعتماد مردم به مسئولان، برطرف شدن مشکلات، برملا شدن توطئه‌های دشمنان و حاصل شدن کشوری نمونه، آباد و پیشرفته را به‌همراه دارد که شایسته‌ی این چنین ملتی است (رک. همان: ۱۲/۱۱-۱۳/۳).

نتیجه‌گیری

نظام سیاسی مطلوب مورد نظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، نظامی است که بر اساس مبانی الهی و اسلامی تأسیس شده باشد و در آن معنویت و مادیت جامعه و افراد، توأمان با هم در نظر گرفته شود؛ از این‌رو، به‌نظر ایشان، نظام سیاسی‌ای مطلوب و مشروع است که اسلامی و از نوع شیعی و ولایت فقیه‌ی باشد که با رعایت شاخص‌هایی - با معیار اصلی ایمان و تقوا - توسط ارکان این نظام سیاسی، شامل رهبر و حاکم (ولی فقیه)، مسئولان و کارگزاران (سران سه قوه و اعضاء، کارکنان و زیرمجموعه‌های آن‌ها) و مردم به‌بالندگی و رشد و تعالی خواهد رسید.

به اعتقاد ایشان، مهم‌ترین شاخص‌های رهبر و حاکم در نظام سیاسی مطلوب بر اساس مکتب سیاسی اسلام، «داشتن علم فقاہت و اجتهاد، صفت عدالت و تقوا و درایت» است؛ زیرا علم فقاہت، آگاهی می‌آورد و بر اساس آن، حاکم می‌تواند احکام الهی را اجرا کند و حافظ این احکام باشد. صفت عدالت و تقوا، شجاعت می‌آورد؛ در این صورت، برای اداره‌ی امور جامعه و مردم، مصالح و منافع آنان را در نظر گرفته و تابع هوی و هوس و امیال شخصی نخواهد بود و حتی خطاهای جامعه اصلاح خواهد شد و جامعه سالم شکل خواهد گرفت. شاخص درایت و توان مدیریتی حاکم اسلامی موجب تأمین مصالح کشور و ملت خواهد شد؛ زیرا با این ویژگی می‌تواند مصلحت امت و ملت را به درستی تشخیص دهد؛ به‌موقع تصمیم بگیرد؛ اقدامات لازم را انجام دهد و از مشکلات بزرگ و کوچک گره‌گشایی کند. بدون این صفت، هیچ حاکمی شایسته‌ی رهبری جامعه‌ی اسلامی نیست. وجود این سه شاخص اصلی برای رهبر و زمام‌دار جامعه‌ی اسلامی به‌قدری مهم است و اهمیت دارد که بسیاری از اندیشمندان اسلامی، علت اساسی انحطاط، جمود، تفرقه و عقب‌ماندگی ملت و کشور اسلامی را نبود فقیه عادل، مدبر و باکفایت دانسته‌اند.

رهبران انقلاب اسلامی، دو دسته شاخص شخصی (فردی) و اجتماعی (مدیریتی) برای مسئولان و کارگزاران برشمرده‌اند؛ چرا که ایشان برای پیشرفت نظام سیاسی فقط حال اجتماعی افراد و کارگزاران نظام را در نظر نداشته‌اند، بلکه بر این اعتقادند که افراد تا خود به تعالی و پیشرفت اخلاقی و فردی نرسیده باشند، نمی‌توانند در سطح مدیریت اجتماع و نظام، اقداماتی برای رشد و بالندگی جامعه انجام دهند. به نظر ایشان، ایمان، تقوا و تزکیه، اعتماد به نفس و صبر و استقامت، جزء مهم‌ترین شاخص‌ها و ویژگی‌های فردی و شخصی کارگزاران و مسئولان نظام سیاسی مطلوب است. دلیل برگزیدن این شاخص‌ها و اولویت آن‌ها این است که سران یک حکومت و کارگزارانش بیش‌تر در برابر خطا و اشتباه هستند و اگر ایمان، تقوا و تزکیه‌ی نفس نداشته باشند، ممکن است به مرور زمان، طغیان و سرکشی کنند و کار خلاف و معصیتی انجام دهند. در این صورت، به فساد کشیده می‌شوند و محدوده‌ی ظلم و فساد آن‌ها بسیار گسترده است و حتی ممکن است یک منطقه و جهانی را در برگیرد و نیز مردم را نسبت به دین و نظام اسلامی بدبین کنند. شاخص‌های مهم مدیریتی و اجتماعی که به نظر امام(ره) و رهبری، رعایت آن‌ها برای یک مسئول لازم، واجب و تکلیف و وظیفه‌ای الهی است: خدمت‌گزار واقعی مردم بودن، ساده‌زیستی، انتقادپذیری، مبارزه با فساد، پاسخ‌گو بودن، حفظ وحدت، فقرزدایی و رعایت عدالت اجتماعی است. با رعایت آن‌ها، هم نظام سیاسی حفظ و بالنده می‌شود و هم مردم و بالاتر از آن، خدای متعال از مسئولان راضی و خرسند خواهند بود. از دیدگاه امام(ره) و رهبری، مردم ضلع سوم از مثلث نظام سیاسی هستند که مشروعیت و مقبولیت نظام وابسته به پذیرش مردم و مردمی‌بودن آن است. این دو سیاست‌مدار فقیه، چهار شاخص اصلی و مهم: «آگاهی، مشارکت، نظارت و هم‌گامی» را برای مردم برمی‌شمرند که وجود آن‌ها لازمه‌ی نظام سیاسی مطلوب است. با وجود چنین شاخص‌هایی در مردم، امنیت و پیشرفت کشور و نظام تضمین می‌شود.

اگر شاخص‌های بیان‌شده، توسط رهبر و حاکم، مسئولان و کارگزاران و مردم رعایت شود، نظام سیاسی اسلامی به پیشرفت، عزت و سربلندی‌ای می‌رسد که شایسته‌ی آن است؛ و سبب رضایت خدای متعال - که بالاترین چیز است - و خرسندی امام زمان(عج) می‌شود و نیز به تکلیف و وظیفه‌ی شرعی خود عمل خواهند کرد. با وجود چنین رهبر، مدیران و مردمی می‌توان به آینده‌ی نظام سیاسی بسیار خوش‌بین و نسبت به پیشرفت و بالندگی آن امیدوار بود.

۱. امام خمینی (ره) (۱۳۶۱). صحیفه‌ی نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، ۲۲ جلدی، تهیه و جمع‌آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. تهران: شرکت سهامی عام.
۲. _____ (۱۳۶۹). شئون و اختیارات ولی فقیه. ترجمه مباحث ولایت فقیه از کتاب البیع. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
۳. _____ (۱۳۷۳). شرح چهل حدیث. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.
۴. _____ (۱۳۷۴). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
۵. _____ (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. _____ (۱۳۷۸). صحیفه‌ی انقلاب: وصیت‌نامه سیاسی و الهی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره). قم: روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۷. بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی استان تهران (۱۳۷۲)، اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی (ره). قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۸). «ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی (ره)»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۷۱-۲۰۶.
۹. خدادادی، محمد اسماعیل (۱۳۸۰). مبانی علم سیاست. قم: انتشارات یاقوت.
۱۰. حسینی الهاشمی، سید منیرالدین (۱۳۷۸). «بررسی علل و عوامل ناهنجاریهای اجتماعی»، سند اولیه بایگانی در فرهنگستان علوم اسلامی.
۱۱. حسینی شیرازی، سید صادق (۱۳۸۶). اسلام و سیاست. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: انتشارات سلسله، چاپ دوم.
۱۲. دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۷۵). حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۳. دفتر انتشارات اسلامی (۱۳۷۱). انوار ولایت: پیام و بیانات امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. دفتر پژوهش‌های فرهنگی (۱۳۸۱). حدیث شکوفایی: بیانات مقام معظم رهبر انقلاب اسلامی در جمع جوانان، ج ۱. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ظفر.
۱۵. رجالی تهرانی، علیرضا (۱۳۸۹). ولایت فقیه در عصر غیبت. قم: انتشارات نبوغ، چاپ دوم.
۱۶. ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۸۴). اخلاق مسئولان نظام اسلامی. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)).
۱۷. سعادت‌مند، رسول (۱۳۸۲). وظایف مسئولین، شوراها و انجمن‌های اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره). قم: تسنیم.
۱۸. شیرازی، سید محمد (آیت‌الله مجاهد) (بی‌تا). نقش مدیریت در پیشرفت ملت‌ها، ترجمه علی کاظمی. تهران: نشر میثم.

سیاست متعالیه

- سال چهارم
- شماره سیزدهم
- تابستان ۹۵

شاخص‌های نظام
سیاسی مطلوب
از دیدگاه
امام خمینی (ره) و
آیت‌الله خامنه‌ای
(۸۳ تا ۱۰۲)

۱۹. ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۸). حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره). تهران: دفتر گسترش تولید علم دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۰. قرائتی، محسن (بی تا). درس‌هایی از قرآن: عدالت اجتماعی. قم: مؤسسه در راه حق.
۲۱. گلزاده، صادق (۱۳۸۲). اخلاق کارگزاران. قم: بوستان کتاب.
۲۲. میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۷). مبانی و پیش‌فرض‌های حکومت دینی و ولایت فقیه. قم: مؤسسه فرهنگی فجر ولایت، چاپ ششم.
۲۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) (۱۳۷۸). امام خمینی(ره) و حکومت اسلامی: نهاد سیاسی و اصول مدنی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۴. واحد تحقیقات مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۷۴). چشمه نور: گزیده‌ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ج ۱. تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
۲۵. _____ (۱۳۸۲). راهبردهای اساسی خدمت‌گزاری به مدیران نظام اسلامی در رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.